

بیداری اسلامی و توهم شیعه‌هراسی (چالش‌ها و راهکارها)

غلامحسین مقیمی*

محمد ستوده**

چکیده

این تحقیق می‌کوشد تا توهم شیعه‌هراسی را، به عنوان یکی از مهم‌ترین تهدیدات بیداری اسلامی، کالبد شکافی نماید. از این منظر، علل بروز و راهکارهای مقابله با آن مهم‌ترین دغدغه این نوشتار است. به نظر نگارنده استراتژیست‌های هژمونی بین‌المللی، بعد از ظهور بیداری اسلامی در ایران، متوجه پتانسیل بالای قدرت نرم شیعه در جهت جریان‌سازی عدالت‌طلبی، ظلم‌ستیزی و استقلال‌طلبی شدند که اگر کنترل نشود به زودی مرزهای ایران را درمی‌نوردد و زمینه گسترش اسلام سیاسی و دولت‌های اسلامی مشابه ایران را در منطقه خاورمیانه فراهم می‌آورد. از این رو پروژه شیعه‌هراسی به منظور مصادره مفاهیم اصیل اسلام ناب طراحی شده است که راهکار مقابله با آن، بصیرت سیاسی و واکاوی آموزه‌های صلح‌جویانه، وحدت‌طلبانه و کنش ارتباطی متعقلانه و معنویت‌خواهانه اسلام است.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، شیعه‌هراسی، قدرت نرم اسلام، راهکارها.

مقدمه

نوید حرکت «بیداری اسلامی» یا خیزش اسلامی، به اعتراف عده زیادی از جامعه‌شناسان و اندیشمندان تاریخی، دست کم به چندین دهه قبل می‌گردد. به عنوان نمونه سید قطب در کتاب خود تحت عنوان

hm_135183@yahoo.com

*. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

** استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۵

المستقبل لهذا الدين بشارت بیداری داد و یا خاورشناس انگلیسی به نام «مونتگمری وات» در کتابی که در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد، می‌گوید: «بیداری اسلامی، ایدئولوژی جهادی خواهد شد که در پایان قرن بیستم بر جهان معاصر حاکم می‌شود». (لقطان، ۱۳۸۴: ۳۷۴)

ژوگانوفسکی، دانشمند روسی نیز به دنبال انقلاب سوسیالیستی، کتابی در سال ۱۹۱۹ نوشت و گفت: «انقلاب سوم متعلق به جهان اسلام است». (همان: ۳۷۵) همچنین ادوارد سعید در کتاب *اسلام رسانه‌ها* پیش‌بینی بیداری و خیزش اسلامی را از زبان برنارد لوئیس، به عنوان آنتی‌تز اندیشه لیبرال دموکراسی طرح کرده است. (سعید، ۱۳۷۹: مقدمه)

از این رو بیداری اسلامی که نویدبخش بازگشت به ارزش‌های دینی، صلح، عدالت، زندگی معطوف به گفتگوی تمدنی و کنش ارتباطی فرهنگی بود، از منظر اندیشمندان و نخبگان، پدیده‌ای قابل پیش‌بینی بوده است و لذا مورد توجه استراتژیست‌ها قرار گرفت.

بدین لحاظ در طی سال‌های گذشته، بیداری اسلامی در درون خود، پتانسیل فرصت و تهدید را توأمان بازتولید کرده است. فرصت برای مصلحان، صلح‌جویان، عدالت‌خواهان و تهدید برای هژمونی حاکم که هرگونه نظام عادلانه مبتنی بر تعامل مسالمت‌آمیز و بشردوستانه را مخالف منافع خود می‌پندارد. اگرچه نقطه عزیمت بیداری اسلامی در چارچوب مقابله جهان اسلام و جهان غرب رقم خورد و مهم‌ترین عوامل فرهنگی و سیاسی آن، استبداد داخلی و وابستگی آنها به قدرت‌های بزرگ، تحقیر فرهنگی توسط قدرت‌های غربی و نیز غارت منابع اقتصادی جهان اسلام است، اما با همه این توصیفات، آیا آموزه‌های اسلامی مشوق مقابله به مثل است؟ آیا اسلام اصیل در پی خشونت است؟ قطعاً پاسخ آن منفی است؛ چراکه اسلام دین رحمت، اعتدال، عدالت، گفتگو و همزیستی مسالمت‌آمیز است. این ادعای نویدبخش و حیات‌آفرین را می‌توان در آموزه‌های قرآنی ردیابی کرد. به عنوان نمونه آیه شریفه: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ» (آل عمران / ۶۴) که اهل کتاب را به همزیستی مسالمت‌آمیز در ذیل اصل توحید می‌خواند و یا آیه شریفه «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (عنکبوت / ۴۶) نشان از فراخوان اسلام به کنش ارتباطی احسن و عاقلانه است. شاهد آن نیز آیه شریفه «وَإِنْ جَحَّوْا لِلْسَّلْمِ فَاجْتَحِ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (انفال / ۶۱) و نیز «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً» (بقره / ۲۰۸) است.

اما آنچه پرسش و مسئله اصلی برای این مقاله شده، این است که با وجود آموزه‌ها و ظرفیت‌های مسالمت‌جویانه اسلام، چرا موضوع اسلام‌هراسی و به طور خاص شیعه‌هراسی در سال‌های اخیر مطرح شده و ظرفیت مثبت بیداری اسلامی را از درون به چالش کشانده است؟ در نهایت برای مقابله با این چالش و آسیب چه راهکاری وجود دارد؟

فرضیه اجمالی ما این است که استراتژیست‌های نظام سلطه بعد از ظهور انقلاب و بیداری اسلامی در

ایران متوجه پتانسیل بالای قدرت نرم شیعه شدند. آنان همچنین آگاه شدند که مؤلفه‌های استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، مفاهیمی هستند که به زودی مرزهای ایران را در می‌نوردد و زمینه دولت اسلامی مشابه ایران را فراهم خواهد کرد. از این‌رو، به نظر می‌رسد که پروژه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی به منظور تحریف و مصادره محتوای فرهنگی بیداری اسلامی طراحی شده است. به نظر نگارنده، راهکار مقابله با آن بصیرت سیاسی و معرفی ماهیت واقعی بیداری اسلامی از طریق آموزه‌ها و ظرفیت‌های صلح‌جویانه اسلام و نیز دیپلماسی فعال اعتمادسازی است.

بیداری اسلامی و شیعه‌هراسی

فصل مشترک بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی (با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی شیعی ایران) مقابله با طلسم و اختاپوس استبداد داخلی، وابستگی سیاسی و اقتصادی خارجی، تحقیر فرهنگی و بازگشت به خویشتن و اصالت‌های فرهنگی خود است. انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده‌ای که بر مبنای باورهای دینی بنیان و بر اساس شیوه‌های نوین مردم‌سالاری، ساختار سیاسی بدیلی را به جهانیان عرضه داشت، اکنون الگوی مدیریتی جدید برای مقاومت و بیداری اسلامی در منطقه شده است. به طور قطع اگر ارزش‌های انقلاب اسلامی همانند دیگر جنبش‌های متداول در جهان اسلام، مبتنی بر ناسیونالیسم، سوسیالیسم و یا لیبرالیسم بود، این‌گونه باورهای آن، با واژه‌هایی (همانند تروریسم، هلال شیعی، بنیادگرا، جهادی و ...) مورد حمله قرار نمی‌گرفت.

آنچه برای این مقاله مهم است آسیب‌ها، تهدیدات و چالش‌های آن است. به طور کلی می‌توان تهدیدات و آسیب‌های خیزش اسلامی را به دو دسته درونی و بیرونی سطح‌بندی کرد. آسیب‌های درونی همانند: تفرقه و اختلافات قومی و فرقه‌ای، تجر و جمود فکری، تکیه بر روش‌های نظامی خشن و رادیکالیسم در پوشش جهاد که موجب تخریب چهره فرهنگی و توحیدی حرکت بیداری می‌شود و در پی آن هزینه سنگینی را بر جهان اسلام تحمیل و زمینه حمله نرم‌افزارانه و تبلیغات رسانه‌ای بدخواهان را فراهم می‌کند.

در سطح بیرونی نیز، آسیب‌های مهمی بیداری اسلامی را تهدید می‌کند. آسیب‌هایی مثل: حضور نظامی قدرت‌های بزرگ، نفوذ قدرت‌های خارجی درون جنبش بیداری اسلامی، تحریف باورها و مطالبات اصیل بیداری اسلامی توسط رسانه‌ها، تدوین پروژه‌ها و راهبردهای تخریبی صاحبان زر و زور و تزویر (همانند قوس سنی و هلال شیعی، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، هلال بحران، ژئوپلیتیک شیعه و ...) علیه جنبش بیداری اسلامی است که جمهوری اسلامی به عنوان پرچمدار بیداری اسلامی می‌تواند حامی مطمئنی برای آنان باشد.

به دلیل گسترش مؤلفه‌های آسیب‌های بیداری اسلامی، این تحقیق به یکی از عوامل تهدید خارجی یعنی توهم شیعه‌هراسی می‌پردازد و آن را از زوایای مختلف سیاسی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی کالبد شکافی می‌کند و در نهایت راهکار مقابله با آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

زمینه‌ها و عوامل شیعه‌هراسی

زمینه‌های طرح شیعه‌هراسی به منظور مقابله با بیداری اسلامی به سه نکته اساسی و کلیدی معطوف است که در ادامه به اختصار به آنها می‌پردازیم.

۱. عامل سیاسی (در جستجوی آنتی‌تز)

بُعد سیاسی آن به تحولات کلان در سیاست بین‌الملل و فروپاشی شوروی مرتبط است. با فروپاشی شوروی، جنگ سرد و روانی نظام سلطه دچار آسیب جدی شد و لیبرالیسم، دشمن فرضی خود را از دست داد. لذا برای توجیه شکست‌ها، ناکامی‌ها و بحران‌های داخلی خود، سیاست فرافکنی (وجود دشمن فرضی) به عنوان مهم‌ترین حربه روانی، دچار مشکل شد.

بدین لحاظ استراتژیست‌های صهیونیست مسیحی، همچون هانتینگتون و کیسینجر، پل ویلفوویتز و ... اسلام را به عنوان آنتی‌تز لیبرالیسم وارد معادلات بازی سیاسی بین‌المللی کردند. در حقیقت، تئوری جنگ تمدن‌ها، تئوری هلال بحرانی و ... اساس جهت‌گیری آینده نظام سلطه جهانی را در خاورمیانه بازسازی می‌کند که در دو سال اخیر تئوری شیعه‌هراسی در حاشیه آن طراحی شد.

به لحاظ سیاسی، مناقشات بین‌الملل چندین دهه پیاپی مبتنی بر بلوک‌بندی ایدئولوژی لیبرالیسم در برابر مکتب کمونیسم بوده است که در نهایت، کمونیسم در آستانه قرن بیست و یکم فرو پاشید. در پی آن، مناسبات نظام جهانی براساس دیدگاه نظریه‌پردازان خوش‌بین (فوکویاما - نظریه پایان تاریخ) «تک قطبی لیبرالی» و طبق اندیشه نظریه‌پردازان واقع‌گرا (هانتینگتون - جنگ تمدن‌ها) «نزاع چند قطبی تمدنی» پیش‌بینی شده است. اما دیری نپایید که نظریه خوش‌بینانه از صحنه روابط بین‌الملل حذف و نظریه جنگ تمدن‌ها با تمرکز محوری بر روی نزاع تمدنی غرب و اسلام آغاز شد و در پی آن مفاهیمی از قبیل «تروریسم»، «جنگ تمدن‌ها»، «بنیادگرایی اسلامی»، «هلال شیعی»، «ژئوپلیتیک شیعه»، «ایران‌هراسی» وارد بازار سیاسی و رسانه‌های جهان شد. به دنبال واقعه ۱۱ سپتامبر، طرح خاورمیانه بزرگ طراحی و در پی آن خاورمیانه اشغال و دولت شیعی به عنوان کانون اسلام سیاسی محاصره نظامی شد. در حقیقت، محاصره نظامی ایران در راستای محاصره اقتصادی بوده است که اکنون با پروژه شیعه‌هراسی حلقه محاصره را به مرزهای فرهنگی نیز گسترش داده است.

آقای ادوارد سعید در این باره اظهار می‌دارد:

آنچه تنور رسانه‌های غرب علیه اسلام را شعله‌ور کرد، گردهمایی بین‌المللی سران کشورها از جمله بیل کلینتون، شیمون پرز، حسنی مبارک و یاسر عرفات در شرم‌الشیخ، برای بررسی مسئله تروریسم بود که در نطقی، همه شرورها به اسلام و جمهوری اسلامی نسبت داده شد. (سعید، ۱۳۷۹: ۱۳)

ایشان از قول دانیل پیپز (شرق‌شناس ضد مسلمان) در مقاله شماره پاییز ۱۹۹۵ فصلنامه *علاقه ملی*، تحت

عنوان «اعتدالی وجود ندارد، سروکار با اسلام بنیادگرا است» نقل می‌کند که گفته است: «آنها که می‌گویند دوران اسلام سیاسی به سر آمده ساده لوحند». سپس اضافه می‌کند که «اسلام: خشن، نامعقول، عبوس و سازش‌ناپذیر است و لذا جنگ سرد بعدی، جنگ با اسلام سیاسی است». (همان: ۱۷ و ۱۸) بدیهی است که مراد وی از اسلام سیاسی بیداری و خیزش اسلامی است که در حال عبور از مرزهای جمهوری اسلامی است. نشریه نیویورک تایمز نیز در ژانویه ۱۹۹۶ در ستون هفته‌ای خود نوشت: «خطر سرخ رفت، خطر اسلام آمد». (همان: ۱۹ و ۲۳) آقای میلتن ویرست (نویسنده مجله نیویورکر) نیز کتابی تحت عنوان *قصرهای شنی: عرب‌ها در جستجوی جهان مدرن*، در سال ۱۹۹۴ منتشر و تمامی موارد اسلام‌هراسی را جمع کرد.

موضوع اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی نه تنها در رسانه‌ها و نشریات به طور گسترده دنبال می‌شود بلکه در سطح فیلم‌ها، نظیر: «جهاد در آمریکا» (که از شبکه PBS پخش شد) و «دروغ‌های راست»، اسلام را تهدیدگر، خشم‌آلود و مسلمانان را ابلیس و تشنه خون آمریکایی‌ها معرفی می‌کند. در سطح رمان‌ها نیز فردی مانند «ویس ناپول» در رمان‌های: «خم رودخانه»، «چریک‌ها» و «سفر اسلامی»، همین خط سیر را دنبال می‌کند. (همان: ۲۵ و ۲۶) خلاصه اینکه اکنون تعداد زیادی از رسانه‌های غرب، اسلام و مسلمانان را آنتی‌تزی لیبرال دموکراسی که در پی برهم زدن نظم دموکراتیک و وضع موجود است معرفی می‌کنند. در واقع، اسلام سیاسی مظهر خشونت و تهدیدکننده تمدن لیبرال دموکراسی تفسیر می‌شوند.

آقای ادوارد سعید سپس موضوع اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی را کالبد شکافی می‌کند و سه علت مهم آن را متذکر می‌شود. اول: احساس وحشت‌آور غرب از نیاز به انرژی و تمرکز آن در جهان اسلام است و لذا طرح شیعه‌هراسی می‌تواند موجب تشدید نزاع بین اسلام‌گرایان و کشورهای اسلامی شود تا جریان انتقال ارزان نفت به غرب به واسطه بیداری اسلامی دچار بحران نشود؛ دوم: انقلاب اسلامی ایران است که مفاهیم و پتانسیل استکبارستیزی، عدالت‌خواهی و عقلانیت سیاسی اسلامی را ارائه کرده که الگوی موفق اسلام سیاسی برای حرکت خیزش اسلامی در عصر مدرنیته خواهد شد؛ سوم: بازگشت اسلام در زندگی سیاسی مسلمانان است. (همان: ۵۰)

در حقیقت، مسلمانان پس از سرخوردگی از ایدئولوژی‌های متعدد ماتریالیستی اکنون نگاهشان به تئوری حکومتی موفق امام خمینی است و رمز موفقیت حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین را آرمان‌های انقلاب اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی می‌دانند. بدین لحاظ اکنون در حرکت بیداری اسلامی، اقبال به آرمان‌های شیعی و اهل بیت علیهم‌السلام بسیار گسترده شده است که در طول تاریخ سابقه نداشته است. این موضوع از چشم سیاست‌مداران و استراتژیست‌های غربی مخفی نمانده است و لذا در کنار واژه اسلام‌هراسی، واژه شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را اضافه کرده‌اند تا مانع انسجام اسلامی دولت‌ها و ملت‌های مسلمان در منطقه حساس خاورمیانه شوند. در واقع، روح حمله بروس لینکن به ایران (در شماره ۲۷ ژانویه ۱۹۸۱ نیویورک تایمز) در دو نکته خلاصه

می‌شود: ۱. روح ایرانی مساوی با خودخواهی است؛ ۲. اسلام شیعی مساوی با خردستیزی است. (همان: ۶۸)

بدین لحاظ هدف محوری رسانه‌ها و هجوم تبلیغات گسترده آنها، ایجاد شکاف سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌های منطقه و انزوای سیاسی دولت شیعی ایران است تا کنش و ارزش‌های سیاسی شیعی در منطقه و جهان اسلام صادر نشود و به جای آن نزاع و جنگ شیعه و سنی گسترش یابد. چون به اعتقاد دانیل (نشریه آنلاین کنستیتوشن، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۰) هر کجا شیعه است آنجا دردرس برای تمدن غرب است. (همان: ۱۵۵)

خلاصه اینکه، با ورود انقلاب اسلامی ایران در صحنه روابط بین‌الملل، سبک جدیدی از زندگی سیاسی وارد معادلات بین‌الملل شد که با هیچ کدام از ارزش‌های دو انقلاب مادر و بزرگ دیگر، یعنی فرانسه (لیبرالی) و روسیه (مارکسیستی)، هم‌خوانی و شباهت ندارد و لذا دولت شیعی، آنتی‌تزی لیبرال دموکراسی فرض شد و در پی آن توهم شیعه‌هراسی ایجاد و در کانون حملات نرم، قرار گرفت.

۲. عامل فرهنگی (بازگشت به آرمان‌های اسلامی)

بُعد فرهنگی و اعتقادی شیعه‌هراسی مربوط به بیداری اسلامی و احیای مجدد تمدن اسلامی می‌شود. به اعتراف اکثر محققان، اسلام سیاسی بعد از پیروزی انقلاب شیعی ایران، شتاب مضاعف پیدا کرده است. (صحفی، ۱۳۸۰: ۷۱ و ۷۲) در واقع، تفکر شیعی با انسجام ساختاری در ایران، مدل عملی برای مبارزات و نهضت‌های اجبارانه اسلامی در تاریخ معاصر شده است. (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲ و ۱۱۳)

اما آنچه نظام سلطه را وادار به واکنش منفی در برابر بیداری تمدن اسلامی کرده است، صبغه ضد استبدادی و استعماری و ندای وحدت جهان اسلام در برابر اندیشه استکباری بوده است که ایدئولوگ مهم آن در چند دهه اخیر، امام خمینی ره بوده است. بدین لحاظ به قول فرانسواتوال نویسنده کتاب *ژئوپلتیک شیعه*، با ظهور خیزش شیعی، اندیشه لیبرال دموکراسی، رقیب فرهنگی و ایدئوپولتیکی خود را در میدان مبارزه می‌یابد. در نتیجه، استراتژیست‌های غربی برای کنترل تفکر انقلابی امام خمینی ره، پروژه‌های جدیدی را طراحی کرده‌اند. ایجاد جنگ نرم و روانی هلال شیعی در برابر قوس سنی یکی از همین حربه‌های جنگ روانی است که اولین بار توسط تونی بلر^۱ مطرح و متأسفانه توسط برخی از رهبران منطقه مثل ملک عبدالله، پادشاه اردن و حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر دامن زده شد. از دیدگاه ملک عبدالله، هلال شیعی از ایران آغاز شده و عراق و سوریه را در بر می‌گیرد و با حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین پایان می‌یابد که متأثر از فرهنگ و اندیشه شیعی و در تعارض با اندیشه سنی هستند.

هراس از توسعه اندیشه عدالت‌خواهانه شیعه و آرمان‌های وحدت‌بخش امام خمینی ره از یک طرف و شیطنت دولت‌مردان غربی در تحریف آرمان‌های مسالمت‌جویانه شیعه و بزرگ‌نمایی موقعیت ژئوپلتیک

۱. نخست وزیر وقت انگلیس در دیدار ماه جولای ۲۰۰۶ خود از ایالت کالیفرنیا.

شیعیان خاورمیانه، موجب موضع‌گیری ناپخته برخی مرتجعان در منطقه حساس خاورمیانه شده است که ادامه آن موجب تشدید اختلافات شیعه و سنی و تضعیف جریان بیداری اسلامی خواهد شد.

در حقیقت بعد از دهه ۹۰ میلادی، غرب با برجسته کردن تئوری جنگ تمدن‌های هانتینگتون، صحنه مبارزات بین‌المللی را از نزاع کشوری و ژئوپلیتیکی به نزاع تمدنی فرهنگی و ژئوپلیتیک فرهنگی و اعتقادی سوق داده است که نقطه آغاز عملیاتی شدن این تئوری، یازده سپتامبر می‌باشد. به طور عام این نزاع، تقابل تمدن اسلامی در برابر تمدن لیبرالیسم است اما به طور خاص، محور و کانون تمدن اسلامی، هویت شیعی است. لذا دولت‌مردان آمریکا همواره از ایران به عنوان محور شرارت نام می‌برند. چنان‌که بوش، محور شرارت را بارها به ایران نسبت داده است. البته اندیشمندان آمریکا نگرانی استراتژیکی خود را در مورد بیداری جهان اسلام با عنوان «بنیادگرایی اسلامی» مورد بررسی قرار می‌دهند که در جای خود بحث جداگانه‌ای را می‌طلبد.

آنان مقاومت اسلامی را که از سیدجمال، منادی وحدت استراتژیک اسلامی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی شروع شد و سپس این آرمان توسط اخوان المسلمین و سید قطب در مصر و مودودی در پاکستان و نهایتاً حزب‌الله در لبنان و حماس در فلسطین دنبال شد، مهم‌ترین پدیده فرهنگی علیه ارزش‌های غربی تلقی می‌کنند. (برنا بلداجی، ۱۳۸۵: ۴) لذا ریچارد نیکسون یکی از مهم‌ترین سیاست‌مداران آمریکا می‌گوید: «جهان اسلام در قرن ۲۱ مهم‌ترین میدان زورآزمایی سیاست آمریکا است». (همان: ۵)

لکن نزاع تمدنی و فرهنگی، مهم‌ترین فرصتی است که قدرت‌های سلطه‌گر ناخواسته در اختیار مسلمانان قرار داده‌اند که با شناخت ابعاد مختلف آن می‌توان در رنسانس اسلامی از آن بهره گرفت. در واقع طرح مسئله ژئوپلیتیک شیعه و شیعه‌هراسی برای ایجاد نزاع فرقه‌ای و جلوگیری از رشد فزاینده اسلام انقلابی و سیاسی در منطقه ژئواستراتژیک است؛ چراکه احیای اسلام سیاسی که در تعارض جدی با منافع اقتصادی و استعماری سرمایه‌داری غرب است، نهایتاً موجب زوال اندیشه لیبرال دموکراسی است. این مطلب را آقای ریچارد فالد یکی از سرشناس‌ترین پژوهشگران خاورمیانه‌ای ایالات متحده با حالت یأس و ناامیدی این چنین اعتراف می‌کند:

خاورمیانه با ناامیدی به حیات خود ادامه می‌داد؛ زیرا هیچ یک از رهبران آن به حقارت شکل‌گرفته در ذهن و روحیه مردم توجهی نداشته است. آنان به دنبال نقطه امیدی می‌گشتند که حداقل، حرف دل آنها را بر زبان جاری ساخته و عقده‌های متراکم شده را آزاد نماید. آیت‌الله خمینی چنین جسارتی را به آنان خواهد داد و مردم خاورمیانه را برای دستیابی به آرزوهایشان کمک خواهد کرد. خمینی مرد پر فروغ منطقه خواهد بود؛ چون آنان را برای آزادی و غرور کمک خواهد کرد. (متقی، ۱۳۸۶: ۲۷۹)

چنین برداشتی در همان اوایل انقلاب اسلامی، بیانگر ورود گفتمانی جدید با هویت فعال در جهان است که نه تنها جنبه انتقادی نسبت به وضعیت موجود دارد بلکه مدل حکومتی جدید برای ایجاد سبک زندگی فرهنگی جدید (کنش ارتباطی عادلانه دین‌مدارانه) در برابر زندگی فرهنگی (کنش ارتباطی زر و زورمدانه) است.

۳. عامل ژئوپلیتیکی (موقعیت استراتژیکی شیعیان)

سومین نکته قابل تأمل در بزرگ‌نمایی احیای هویت شیعی به عنوان خطر بالفعل در برابر هویت سنی، به موقعیت جغرافیایی و سرزمینی شیعیان معطوف است.

اما قبل از هر چیز، یک نکته بسیار مهم در مباحث ژئوپلیتیک، مفهوم آن در محافل علمی و سیاسی غرب است. این مفهوم ابتدا توسط کیلن سپس توسط مکیندر، ماهان، هوفر و اسپایکمن تداوم یافت. معنای آن به یک مفهوم کلیدی و محوری خلاصه می‌شود که: «جای من کم و تنگ است»؛ یعنی فضای حیاتی و جغرافیای ما محدود است. به عبارت دیگر از منظر ژئوپلیتسین‌ها، کشور همانند موجود زنده، رشد می‌کند و لازمه رشد، کسب فضای جغرافیای جدید است که اگر کسب نکند از توسعه و رشد باز می‌ماند. این تلقی از ژئوپلیتیک ماهیتاً مترادف با اندیشه امپریالیستی و توسعه‌طلبی است (مقیم، ۱۳۸۸: ۵۱) که متأسفانه در قرن بیستم منجر به دو جنگ جهانی و هلاکت بیش از شصت میلیون انسان شده است.

این تفسیر بسیار خطرناک از ژئوپلیتیک، با مفهوم سیاست که امروزه، تحت عنوان کسب و حفظ قدرت مطرح است، کاملاً هم‌خوانی دارد. لذا غرب، ژئوپلیتیک شیعه را با همین تلقی و تفسیر دنبال می‌کند. اما حقیقت مطلب آن است که تعریف سیاست در اندیشه امام خمینی علیه السلام و آرمان‌های شیعی، مدیریت عادلانه معطوف به هدایت و تقواست که به دنبال سعادت و صدور فضایل اخلاقی است نه توسعه جغرافیایی و قدرت سیاسی. (مقیم، ۱۳۹۰: ۲۱)

بدین لحاظ، جهان اسلام نیازمند هوشیاری مضاعف است تا با شناخت واقعی مسائل سیاسی و اعتقادی خویش در دامان القائات سیاست‌های «اسلام رسانه‌ای غربی» نیفتد؛ چراکه تاریخ ۴۰۰ ساله اخیر استعمار نشان داده است که اندیشه شرق‌شناسانه آنان به دنبال منابع غنی و ارزان خاورمیانه است و حربه شیعه‌هراسی در قالب‌ها و شکل‌های متفاوت، تنها برای انحراف اذهان و تضعیف قدرت مسلمانان است. لذا اخیراً هنگامی که خبرنگار اشیپگل از آقای کیسینجر سؤال می‌کند که چرا غرب در برقراری دموکراسی و حقوق بشر برای کشورهای عربستان، مصر و اردن تلاش نمی‌کند، جواب می‌دهد: «شما نمی‌توانید هم‌زمان در سرنگونی دولت‌های سعودی، مصر و اردن به نام دموکراسی و جنگ علیه اسلام با دولت‌های رادیکالی اسلامی، تلاش کنید. فرآیند صدور دموکراسی و جنگ علیه خیزش اسلامی دو ساختار متفاوت زمانی می‌طلبند». (سایت مطالعات شیعه‌شناسی، ۸۷/۱/۱۹) عبارت کیسینجر کاملاً واضح است که برای غرب، نفس ارزش‌های اسلام اصیل و تحریف نشده مطرح است، منتها الآن به لحاظ زمانی، اسلام انقلابی شیعی (به تعبیر متوهمانه وی، افراطی) در اولویت است.

فرانسوا توال در کتاب معروفش به نام ژئوپولیتیک شیعه که با انگیزه سیاسی القای شیعه‌هراسی و بزرگ‌نمایی اختلافات و شکاف‌های دینی و مذهبی جهان اسلام تدوین شده است، سعی می‌کند تا خطر تشیع

را به مسئولان سیاسی و خبرنگاران غربی گوشزد و آنها را به چاره‌جویی وادار نماید. لذا از صفحات ۱۵ به بعد تصریح می‌کند که:

اخبار روز نشان می‌دهد که شیعه علی‌رغم خواست‌ها، شکنجه‌ها و جنگ‌ها، نه ضعیف شده و نه مضمحل، بنابراین تسلط بر خاورمیانه معلول تسلط بر شیعیان است. (لکزایی، ۱۳۸۲: ۲۴)

از منظر نویسنده کتاب، خطر شیعه از دو منظر حائز اهمیت است: یکی اعتقاد به عدالت‌گستری، ظلم‌ستیزی، شهادت، عاشورا و انتظار حکومت عدالت‌گستر مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه‌ه که مرادف با اعتراض از وضعیت نظام غیرعادلانه موجود است و دیگری موقعیت جغرافیایی شیعیان است. (توال، ۱۳۷۹: ۱۴۳)

به زعم فرانسوا توال، شیعیان در مهم‌ترین نقاط استراتژیکی خاورمیانه استقرار دارند. مانند ایران که در میانه خلیج فارس و دریای خزر است و ۶۸٪ نفت دنیا در این منطقه است؛ جنوب عراق و کرکوک که مهم‌ترین منطقه عراق به لحاظ انرژی است؛ میدان‌های نفتی استان شرقیه عربستان که ۷۰٪ کارکنان شاغل آن شیعه هستند. همچنین یک چهارم جمعیت ترکیه، ۲۵ میلیون نفر از جمعیت هند، ۳۵ میلیون نفر از جمعیت پاکستان، بیش از ۷۰٪ جمعیت کرانه خلیج فارس، ۷۵٪ جمهوری آذربایجان، ۶۷٪ مردم بحرین شیعه هستند. در مجموع شیعیان به لحاظ جغرافیایی در حساس‌ترین منطقه انرژی دنیا سکونت دارند. وی تأکید می‌کند مهم‌ترین نقطه ضعف و چالش شیعیان، اول موضوع شیعه و سنی و دوم اختلاف میان فرقه‌های مختلف شیعی است. ایشان در نهایت راهکار تشدید این اختلافات را به نخبگان سیاسی غرب توصیه می‌کند. (همان: ۱۴۱) لذاست که نظریه شیعه‌هراسی در راستای موقعیت ژئوپلیتیکی شیعی قابل ردیابی است.

خلاصه اینکه عوامل و زمینه‌های توهم شیعه‌هراسی را باید در راستای پروژه بزرگ‌تر آن یعنی اسلام‌هراسی و قدرت نرم اسلام سیاسی مورد تأمل قرار داد. اما اینکه چرا مسئله «شیعه‌هراسی» در سال‌های اخیر دنبال شده است ولی خبری از «سنی‌هراسی» در رسانه‌ها نیست؟ موضوع قابل تأمل و در جای خود قابل بحث است. ولی آنچه که مربوط به بحث شیعه‌هراسی ما می‌شود این نکته مهم است که به لحاظ تبارشناسی و علت‌شناسی، این موضوع از یک معادله پنج مجهولی (انرژی، ظرفیت‌های سیاسی، پتانسیل فرهنگی شیعه، بیداری اسلامی و نیز موقعیت جغرافیای سیاسی شیعیان) پیروی می‌کند. بدون تردید بررسی تصویری و تفکیکی آنها گمراه‌کننده و مناقشه‌آمیز است ولی ترکیب آنها می‌تواند موضوع «شیعه‌هراسی» را تا حد زیادی روشن کند.

اهداف پروژه شیعه‌هراسی

توهم شیعه‌هراسی که عمدتاً غربی‌ها در چند سال اخیر به آن دامن زده‌اند چند هدف را دنبال می‌کند. ۱. شناسایی قدرت نرم و پیام سیاسی تفکر شیعی و شناسایی پتانسیل ضد استکباری و ضد ظلم آن به منظور کنترل رشد و انتشار حکومت اسلامی مشابه در منطقه خاورمیانه؛

۲. مطالعه جغرافیایی و منطقه‌ای شیعیان و احتمال اتحاد آنها با هم و برادران اهل تسنن که می‌تواند کمربند مقاومت علیه زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های سلطه‌گر باشد؛

۳. ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی به منظور تضعیف بیداری اسلام سیاسی، تا آنتی‌تز هژمونی سرمایه‌داری شکل نگیرد؛

۴. تحریف آرمان‌های فرهنگی و سیاسی شیعی به وسیله ایجاد هراس، به منظور خنثی کردن بازخیزی و هویت عدالت‌خواهی علیه نظام سرمایه‌داری و مدعیان لیبرال دموکراسی؛

۵. جلوگیری از شکل‌گیری ترتیبات امنیتی بومی و پایدار بین کشورهای اسلامی منطقه.

بنابراین، هنگامی که آنان از شیعه سخن می‌گویند نه تنها شیعیان امامیه بلکه منظور جریان‌های مذهبی است که در یک امتداد جغرافیایی بخش‌های وسیعی از هند، پاکستان، تمام ایران، اکثریت عراق، بحرین، آذربایجان، شرق عربستان، قسمت مهمی از ترکیه، لبنان، سوریه و آفریقا و ... حضور دارند. لذا شیعیان (به زعم و توهم آنان) دوازده امامی در کنار گروه‌های اسماعیلیه، زیدیه، علویان سوریه و بکتاشیه ترکیه فضای جغرافیایی و فرهنگی‌ای را ایجاد می‌کنند که در نهایت یک هویت مذهبی واحد را موجب خواهد شد. خصوصاً تحركات زیاد شیعیان هند و پاکستان و تحولات داخل عراق، بحرین و یمن و نیز پیروزی مقاومت شیعی لبنان، غرب را با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان شیعه آشنا کرده است. لذا سیاست‌مداران غربی با تحریک برخی از سیاست‌مداران عربی و سلفیان افراطی منطقه، سعی در تضعیف وحدت جهان اسلام و ایجاد اختلاف بین فرقه‌های مختلف اسلامی دارند. (غلامی، ۱۳۸۶) همان‌طور که امروز، نمونه بارز آن را در فشارهای زیاد حکومت عربستان بر شیعیان یمن و بحرین و نیز تلاش عربستان در تغییر بافت شیعه در جنوب عربستان مشاهده می‌کنیم.

در حالی که جمعیت ۴۶ درصدی شیعیان یمن از تمامی حقوق سیاسی و اجتماعی محرومند، وزیر دفاع یمن در سال گذشته فتوایی منتشر کرد که به سنی‌مذهبان گفته شده تا علیه شیعیان شمال یمن اقدام نظامی کنند. همچنین ۲۲ مفتی وهابی عربستان در آخرین اعلامیه خود اعلام کردند: «همان‌گونه که حزب‌الله لبنان و دیگر پیروان آنها در عراق، می‌خواهند بر سرزمین‌های سنی‌نشین سیطره یابند، شیعیان یمنی نیز می‌خواهند بر کشور یمن سیطره داشته باشند، بنابراین باید با آنها مقابله کرد». (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۸۷/۳/۱۹)

اگرچه این فتواها به لحاظ زمانی و محتوایی تازگی ندارند ولی تشدید آنها در یکی دو سال اخیر نشان‌دهنده عدم درک شرایط سیاسی بین‌المللی از سوی مفتی‌های عربستان و حرکت کردن در چارچوب سیاست‌های تفرقه‌افکنانه صاحبان زر و زور و تزویر به منظور مصادره خیزش اسلامی است.

راهکارهای مقابله با توهم شیعه‌هراسی

چنان‌که اشاره شد، توهم شیعه‌هراسی حاصل اسلام رسانه‌ای تحریف شده است که قدرت‌های سیاسی در

پی اغراض سیاسی، به دنبال مصادره بیداری اسلامی، از طریق ایجاد شکاف بین نیروهای اصیل بیداری اسلامی هستند.

با نگاهی اجمالی به آرمان‌ها و آموزه‌های شیعی در خواهیم یافت که پدیده شیعه‌هراسی، توهمی بیش نیست؛ چون با مبانی شیعه و اصول بنیادین انقلاب شیعی ایران و نیز آرمان‌های معمار کبیر آن منافات دارد. بدین لحاظ مهم‌ترین راهکار مقابله با توهم شیعه‌هراسی بازخوانی و معرفی ارزش‌های اصیل اسلام است. در ادامه این بحث تلاش می‌کنیم تا به برخی از راهکارهای مهم، برای توهم زدایی از «توهم شیعه‌هراسی» اشاره و به نحو اجمال آنها را توضیح دهیم.

۱. آگاهی و بصیرت سیاسی

نقطه عزیمت مقابله با توهم شیعه‌هراسی، کسب دانش، آگاهی و بصیرت سیاسی از محیط‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. بصیرت به معنای بینایی، دانایی، هوشیاری و زیرکی است. خودآگاهی سیاسی و بصیرت سیاسی به معنای فهم معادلات قدرت و رقابت‌های سیاسی معطوف به عرصه منطقه‌ای و نظام بین‌المللی است. به نحوی که جوامع اسلامی جایگاه خود را در مبادلات و معادلات قدرت بین‌المللی بیابند. تنها در این صورت است که می‌توانند با موضع‌گیری متعقلانه در راستای منافع خویش گام برداشته و نسبت به پروژه شیعه‌هراسی دچار موضع‌گیری منفعلانه نشوند.

البته بصیرت و شعور سیاسی نیازمند آموزش سیاسی به منظور ارتقای رشد فرهنگ سیاسی و عقلانیت ارتباطی به جای رفتار متعصبانه و کنش احساسی است.

چنان‌که مقام معظم رهبری به درستی به اهمیت بصیرت سیاسی اشاره و در ایامی که حق و باطل با هم ترکیب شده و فضای توهم و فتنه‌انگیزی را ایجاد کرده است تنها راهکار برون رفت از آن را بصیرت سیاسی و آن را قطب‌نمای سیاسی در اوضاع پیچیده سیاسی دانست. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۷/۱۵)

از این رو به علت پیچیدگی معادلات سیاسی، وظیفه نخبگان و روشنفکران متعهد و مسلمان، مضاعف می‌شود. امام خمینی به نقش حساس علمای بیدار اسلام در ایام حج چنین اشاره داشتند:

لازم است که متعهدان و بیداران و دلسوزان برای غربت اسلام ... با قلم و بیان و گفتار و نوشتار به کوشش برخیزند. خصوصاً در ایام مراسم حج که پس از این مراسم عظیم، انسان‌ها می‌توانند در شهر و دیار خود با توجه به این بعد عظیم، مسلمانان و مظلومان جهان را بیدار کنند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۹ / ۲۳)

علمای اعلام و خطبای معظم، مسلمانان را به جهات سیاسی و وظایف بسیار خطریشان آگاه سازند. (همان: ۱۵ / ۱۶۸)

بدین لحاظ می‌توان گفت اولین قدم برای مقابله با دسیسه‌های بدخواهان زندگی مسالمت‌آمیز و روابط

متعقلانه و عادلانه، گفتگو و تعامل تمدنی و فرهنگی است. بی‌شک اگر پارادایم کنش ارتباطی فرهنگی، فرهنگ‌سازی شود دیگر جایی برای پروژه شیعه‌هراسی، ایران‌هراسی و یا کنش ارتباطی احساسی و فیزیکی باقی نخواهد ماند.

۲. وحدت و انسجام اسلامی

راهکار دوم برای مقابله با شیعه‌هراسی، مقابله از طریق ضد آن است. همچنان که گذشت پروژه شیعه‌هراسی در پی ایجاد اختلاف بین فرقه‌ها و مذاهب مختلف اسلامی به منظور ضربه زدن به بیداری اسلامی است. از این رو برای مقابله با آن باید به آنتی تز آن برگشت کنیم. ضد و آنتی تز اختلاف، اتحاد و انسجام اسلامی است.

در واقع، نقطه عزیمت آگاهی سیاسی مطلوب با توجه به پیشینه بیداری اسلامی، محتاج فهم جایگاه جهان اسلام به عنوان یک امت واحد در معادلات قدرت بین‌المللی است که لازمه آن شکل‌گیری انسجام اسلامی در قالب اتحاد اسلامی معطوف به قبول استقلال، تمامیت ارضی، احترام متقابل به حاکمیت و حکومت‌های ملی در چارچوب فدراسیون کشورهای اسلامی است. (مطهرنیا، ۱۳۸۴: ۲۸۰)

بی‌تردید اگر توهم شیعه‌هراسی، با تعصبات کور گروه‌های افراطی و سلفی، گره بخورد موجب مرزبندی سخت‌افزارانه نیروهای انسانی مسلمانان خواهد شد و به جای انسجام و همبستگی مذهبی، بیداری و خیزش اسلامی را از درون دچار چالش می‌کند.

البته موضوع انسجام اسلامی را باید به عنوان وحدت استراتژیکی و راهبردی ملاحظه کرد نه وحدت تاکتیکی و سیاسی، کما اینکه باید قبول کرد که انسجام به معنای حذف تنوع مذهبی نیست، بلکه به معنای هم‌گرایی مذاهب مختلف اسلامی (در چارچوب اصول مشترک) در عین وجود اختلافات مذهبی است. کما اینکه واژه انسجام در فرهنگ لغت، در برابر واگرایی به معنای همبستگی، همراهی، هماهنگی و وفاق (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۰۸۴) آمده است.

بدین لحاظ نخستین گام در انسجام اسلامی، پذیرش و به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار و مذاهب است. کما اینکه امام خمینی می‌فرماید: «سنی و شیعه در عقاید، در بسیاری از عقاید، مختلف‌اند ... آزادند ... عقاید مختلف اسباب اختلافات خارجی چرا بشود». (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۲۰ / ۳۳) بنابراین، وحدت ایدئولوژیکی و مذهبی، وحدت آرمانی است که در سطح مذاهب اسلامی، نه عملی و نه مطابق با سیره علوی است. آنچه مطلوب و شدنی است، وحدت استراتژیکی به مثابه یک راهکار راهبردی برای مقابله با دسیسه‌ها و توهم شیعه‌هراسی است و لذا امام خمینی بیان می‌دارد که:

آنهایی که می‌خواهند بین اهل سنت و اهل تشیع فاصله ایجاد کنند، نه سنی هستند و نه شیعه ... اینها نیست جز اینکه قدرت‌های بزرگ فهمیدند آن چیزی که آنان را عقب زده است [عدم] وحدت مسلمین و برادری بین همه امت اسلامی است. (همان: ۱۴ / ۳۸۱)

بدین لحاظ به همان نسبت که پویایی بیداری اسلامی منوط به بصیرت سیاسی و انسجام اسلامی است مقابله با آفات و آسیب‌های آن نیز وابسته به آگاهی و اتحاد اسلامی است. البته به طور قطع، انسجام اسلامی در وهله اول باید از مراکز علمی اسلامی و نخبگان بیدار مسلمان آغاز شود. بی‌شک امروز همان‌گونه که در سطح جهان تشیع نیازمند افرادی همانند امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای هستیم، در سطح جهان اهل تسنن نیز نیازمند افرادی همانند شیخ محمد شلتوت^۱ که موجب هم‌گرایی شیعیان و سایر مذاهب شد، هستیم. البته در قضیه اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، تقصیر مسلمانان کم نیست. چون نخبگان مسلمان، اسلام را خوب و شایسته معرفی نکرده‌اند و گرنه الآن زمینه خیلی از توهامات و شبهات منتفی و یا حداقل از شدت آن کاسته می‌شد. به واقع، امروز اگر معارف ناب اهل بیت که سراسر آن عقلانیت، تشویق به گفتگوی علمی نقدانه، فقه استدلال و زندگی مسالمت‌آمیز است به خوبی معرفی می‌شد، به طور قطع تشنگان زلال معارف بشری را سیراب می‌کرد. بدین لحاظ امروز ایجاد زبان مفاهمه‌ای و گفتگوی مذهبی به منظور تقریب مذاهب، مهم‌ترین راهکار برای مقابله با پروژه شیعه‌هراسی و ایجاد وفاق مسالمت‌آمیز است.

۳. تعامل تمدنی (اسلام دین همزیستی است، نه برخورد)

روی دوم سکه پروژه شیعه‌هراسی، مرتبط با تحولات بین‌المللی و فروپاشی شوروی می‌شود. در واقع طرح موضوع شیعه‌هراسی در ادامه موضوع اسلام‌هراسی قرار دارد که در راستای ایجاد و القای دشمن فرضی لیبرالیسم (به جای کمونیسم) طرح شده است تا بلوک‌بندی جدید را در سطح سلطه جهانی سامان دهد. بدین لحاظ پروژه شیعه‌هراسی دو هدف مهم را (در سطح داخلی جهان اسلام به دنبال تقویت مناقشات فرقه‌ای و در سطح بین‌المللی به دنبال ایجاد دشمن فرضی لیبرالیسم و معرفی اسلام به عنوان دین خشونت) به موازات هم دنبال می‌کند.

اما آنچه در اینجا اهمیت دارد، این است که اسلام‌هراسی و به دنبال آن، شیعه‌هراسی در ادامه و چارچوب نظریه برخورد تمدن‌های آقای هانتینگتون (استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد) و نیز آقای ژاک شاهین (مشاور خاورمیانه‌ای شبکه سی‌بی‌اس) در کتاب *اعراب آنچنان که تلویزیون نشان می‌دهد* طرح شده است که بازتاب جهانی آن بسیار گسترده بوده است.

سؤال اصلی این است که این نظریه تا چه اندازه مطابق واقع است؟ آموزه‌های اسلامی و شیعی در این باره چیست؟ با نگاهی اجمالی به مبانی و آموزه‌های اسلامی در خواهیم یافت که نظریه جنگ تمدن‌ها، اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی، توهمی بیش نیست.

باید یادآور شد که در غرب به جز گرایش برخورد تمدنی و نزاع گفتمانی، گرایش تفاهم و گفتگوی تمدنی نیز وجود دارد که در جای خود می‌توان به عنوان یک زمینه مؤثر در مقابله با توهم شیعه‌هراسی به آن توجه کرد.

۱. کسی که در سال ۱۳۳۸ به عنوان شیخ‌الزهر فتوا صادر و مذهب شیعه را به‌عنوان یکی از مذاهب اسلامی به رسمیت شناخت.

به عنوان مثال موضع‌گیری منصفانه واتیکان در سال ۱۹۶۹ در کتاب *راهنمای گفتگو میان مسلمانان و مسیحیان* نمونه خوبی است. واتیکان در این کتاب، مسیحیان را تشویق به شناخت اسلام کرده و به ستم‌ها و ظلم‌هایی که به مسلمانان روا داشته شده اعتراف کرده است. (الاسد، ۱۹۹۷: ۷۷) نمونه دیگر، موضع‌گیری شاهزاده چارلز (ولیعهد انگلستان) است که در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه آکسفورد طی سخنرانی‌ای تحت عنوان «اسلام و غرب» گفته است:

سوء تفاهم میان اسلام و غرب همچنان ادامه دارد و تشدید هم می‌شود ... ولی آنچه دو جهان ما را به هم پیوند می‌دهد بسی نیرومندتر از عوامل جدایی‌افکن است. (همان: ۷۸)

همچنین دانشمند آلمانی آقای «هانی کونگ» اظهار می‌دارد که: «بدون گفتگوی ادیان، صلحی نخواهد بود» (عزیزی، ۱۳۸۴: ۱۹۵) و یا اندیشمند و نویسنده فرانسوی آقای «آندره مالرو» دین را سرچشمه و الهام‌بخش فرهنگ و گفتگو توصیف می‌کند. (همان)

در ادامه به برخی از آیات قرآن اشاره می‌کنیم تا نشان دهیم که برخلاف دیدگاه برخی افراد اسلام، خواهان برخورد و رفتار خشونت‌آمیز با غرب نیست.

۱. «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ (نحل / ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله کن».

تعامل و گفتگویی که قرآن کریم با غیر مسلمان از آن یاد می‌کند از چندین منظر جای تأمل و بررسی دارد. اولاً: عدم اجبار و خشونت در تعامل با غیر مسلمان است، بلکه دستور بر تعامل و مجادله نیکوتر را دارد؛ یعنی مسلمان در تعامل با آنان بین خوب و خوب‌تر، باید روش خوب‌تر را برگزیند.

ثانیاً: روح کلی آیه حاکی از فراخوان اسلام به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است. چون دعوت به کنش تعاملی فرهنگی و علمی نیکوترین تعامل تمدن است.

۲. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحِبْ لَهُا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ (انفال / ۶۱) و اگر به صلح گرایندند تو نیز بدان گرای و بر خدا توکل کن». «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً؛ (بقره / ۲۰۸) ای کسانی که ایمان آوردید همگی به اطاعت خدا درآیید».

دسته دوم، آیاتی هستند که مسلمانان و غیر مسلمانان را دعوت به صلح می‌کنند. اسلام با این فراخوان عمومی، صلح، امنیت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را شالوده و اساس تعامل و روابط داخلی و بین‌المللی قرار داده است. اسلام بر همین اساس خشونت، دشمنی و جنگ را جز به هنگام اضطرار و ضرورت تجویز نمی‌کند و لذا می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ؛ (ممتحنه / ۹) همانا خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانندند».

بدین لحاظ سلاح اولیه و مبنایی اسلام در تعامل با ملل، اقوام و تمدن‌ها، تضارب علمی و گفتگوی

فرهنگی و روابط صلح‌جویانه است. تنها زمانی که طرف مقابل دست به خشونت زد و اصول انصاف و عدالت را زیر پا گذاشت، اسلام اجازه دفاع از خود (نه جنگ) را داده است؛ چون اسلام دین رحمت، کرامت انسانی، یکتاپرستی، عدالت و روابط دوستانه و حکیمانه است. قطعاً چنین دینی در روابط انسانی بیشتر از هر چیزی، مشوق سعه‌صدر و هم‌جوشی و هم‌دلی است که زمینه هرگونه خشونت و نزاع و برخورد تمدنی را از بین می‌برد.

۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ (حجرات / ۱۳) ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را شناسایی متقابل بکنید».

دسته سوم از آیات و آموزه‌های اسلامی، معطوف به این اصل فطری و طبیعی است که سنت الهی بر تفاوت و تنوع ملل و انسان‌ها قرار گرفته است و این تفاوت رسوم و تمدنی از منظر قرآن برای آشنایی (لتعارفوا) است. از منظر آموزه‌های اسلامی، گوناگونی ملل و قبایل به معنای گسست و نزاع و کنش سلطه‌آمیز نیست بلکه به معنای تعامل تمدنی به منظور ارتقای سطح دانش و انتخاب اندیشه برتر و عملی‌تر است.

بدیهی است که در جهانی که گوناگونی طوایف و ملل، طبیعی و ذاتی است، اگر اساس و بنیان رابطه آن مبتنی بر تعامل علمی و آشنایی بیشتر از تجارب و آموزه‌های فرهنگی و تمدنی نباشد موجب برداشته‌های غیر علمی، مبهم و نادرست می‌شود که نتیجه آن چیزی جز نفرت، کینه، تعصب بی‌اساس، دشمنی و برخورد خصمانه نخواهد بود. لذا قرآن می‌خواهد بشر از روابط تنگ‌نظرانه منافع ملی، قومی، نژادی، زبانی و نسبی فراتر برود و اساس تعامل و روابط با ملل را بر پایه کنش ارتباطی فرهنگی، ارزشی، اخلاقی و احترام متقابل سامان دهد.

۴. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ؛ (آل عمران / ۶۴) بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم».

دسته چهارم، آیات و آموزه‌هایی هستند که بر مشترکات ادیان و مذاهب مختلف تأکید دارند. در واقع، شرط اساسی برای تحقق تعامل به جای تعارض، به رسمیت شناختن دیگری و عدم تحقیر به منظور حذف و نفی اوست. قرآن کریم برای تحقق این شرط مهم، توجه به اصول و میانی مشترک را متذکر می‌شود که مبنای‌ترین آن، اصل توحید است. از منظر قرآن، اصل توحید نقطه وصل و جوش فرهنگی و تمدنی است که می‌تواند تمامی کثرات حاکم بر عرصه جامعه شناختی ملل و اقوام را به وحدت برساند. بدین لحاظ به نظر می‌رسد راهکار قرآن برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، اصل وحدت درعین پذیرش کثرت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است.

با پذیرش این اصل، نگاه ملل و فرهنگ‌ها نسبت به همدیگر مالمال نگاهی خوش‌بینانه، محبت‌آمیز، مدنی، عقلانی، انتقادی سازنده و مسالمت‌آمیز خواهد شد.

۴. دیپلماسی فعال (اعتمادسازی)

شرط تحقق و گسترش هرگونه همکاری منطقه‌ای براساس پیمان‌های دفاعی درون منطقه‌ای منوط به اعتماد

متقابل و کاهش واگرایی فرقه‌ای شیعه و سنی و نیز ایجاد اعتماد بین روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با دول خارجی است.

در واقع سناریوی شیعه‌هراسی در درون خود پروژه ایران‌هراسی و منزوی‌سازی جمهوری اسلامی (خاستگاه بیداری و خیزش اسلامی منطقه خاورمیانه) را دنبال می‌کند.

لذا علی عبدالله صالح بارها جمهوری اسلامی را به دخالت در ناآرامی‌های فرقه‌ای و شیعیان زیدیه یمن به رهبری حسین بدرالدین الحوثی در قیام سال ۲۰۰۴ و سال‌های بعد متهم می‌کرد. یا پادشاه مراکش در ششم مارس ۲۰۰۹ (۱۳۸۷/۱۲/۱۶) به اتهام حمایت تهران از شیعیان مراکش و تلاش برای گسترش شیعه در مراکش (که ۹۹٪ آن سنی هستند) قطع رابطه با جمهوری اسلامی را اعلام می‌کند. یا حسنی مبارک بارها شیعیان لبنان و حزب‌الله لبنان را عامل امنیتی جمهوری اسلامی در خاورمیانه معرفی می‌کند.

برای مقابله با فضا و جو بی‌اعتمادی، وزارت خارجه و همچنین کمیسیون امنیت خارجی مجلس شورای اسلامی برای اعتمادسازی، مسؤولیت سنگین‌تری دارند. تقویت گروه‌های دوستی پارلمانی، افزایش دیپلماسی پارلمانی برای اعتمادسازی و هم‌گرایی منطقه‌ای، می‌تواند راهکار مناسبی برای مقابله با توهم شیعه‌هراسی باشد.

نتیجه

امروز جهان اسلام در نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است. در حقیقت جابه‌جایی قرن ۲۰ و ۲۱ هم‌زمان با گسترش بیداری اسلامی و جابه‌جایی هژمونی قدرت در عرصه بین‌المللی شده است. نظام دوقطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که چندین دهه بر اندیشه و عمل بشر سایه افکنده بود در آستانه قرن ۲۱ فروپاشید و عملاً نظام بین‌الملل را در وضعیت گذار فروکاهید. این وضعیت که معمولاً در محافل تحلیل سیاسی به دوره فترت، گذار و یا بی‌ثباتی تفسیر می‌شود، هم اکنون با بیداری اسلامی مقارن شده است.

لذا نظام سرمایه‌داری غرب تمام تلاش فکری، اقتصادی، نظامی و سیاسی خود را به کار گرفت تا هرگونه تغییر و تحولات نظام بین‌الملل را کنترل کند و از هرگونه جابه‌جایی قدرت و فرهنگ که باعث تغییر وضع موجود به ضرر تداوم حاکمیت غرب بر جهان اسلام شود، جلوگیری کند.

بدین لحاظ، طرح توهم شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در امتداد توهم اسلام‌هراسی و جنگ تمدن‌هاست که به دنبال مصادره بیداری اسلامی و جلوگیری از احیای مجدد و عظمت تمدن اسلامی در منطقه خاورمیانه است. این نکته قبل از حرکت بیداری اخیر، در فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور کومور (احمد عبدالله محمد سامبی) نیز مشهود بود. ایشان فرمودند:

دنیای اسلام با داشتن منابع غنی طبیعی، موقعیت حساس جغرافیایی، گسترش سرزمینی، جمعیت و نیروی انسانی فعال و کارشناس می‌تواند به یک قدرت تبدیل شود، اما قدرتمندان جهان با این موضوع مخالفند.

ایشان در ادامه ضمن اشاره به سرمایه‌گذاری کلان دشمنان برای اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی فرمودند:

متأسفانه در دنیای اسلام، برخی سیاست‌مداران، روشن‌فکران و علما در این دام گرفتار شده‌اند، اما همه باید بدانند؛ راه قدرتمند شدن دنیای اسلام، اتحاد و همکاری قلبی و عملی کشورهای اسلامی است. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۸۷/۳/۲۸)

آقای فهمی هویدی در نقدی که در نشریه *الشرق الاوسط* منتشر کرده است در مورد توهم و غیر واقعی بودن شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی می‌نویسد: «تحولات جهان عرب و بازگرداندن توجه از آرمان فلسطین به سمت موضوعی ذهنی و غیر واقعی، حیرت‌آور است». از منظر هویدی جای تعجب و تأسف است که مأموریت حذف ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس، از طرف غرب به اعراب سپرده شده است. از این زاویه است که جهان عرب با اکثریت سنی باید مانع نفوذ آرمان‌های شیعی برخاسته از جمهوری اسلامی ایران گردد. وی تأکید می‌کند که در جلسه محرمانه‌ای در بندر عقبه اردن، مسئولین امنیتی چهار کشور عربی با حضور محمود عباس و مسئول اطلاعات داخلی اسرائیل شین‌بیت بر ضرورت مقابله با ایران و اعمال فشار بر حزب‌الله و حماس تأکید شده است. (حسینی، ۱۳۸۶: ۸۴ - ۸۳)

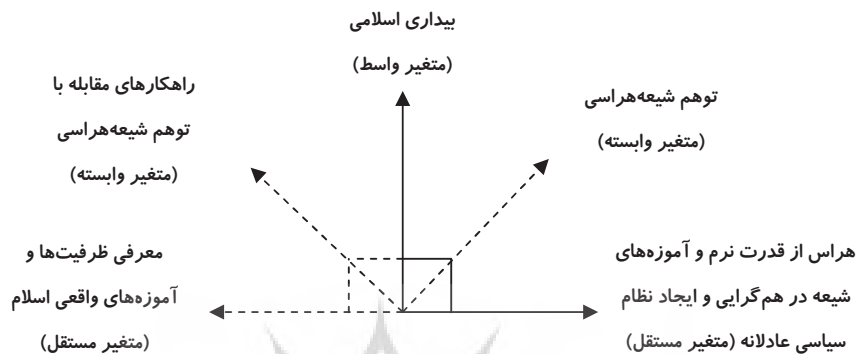
نویسنده و ناقد دیگر، آقای عبدالباری عطران نیز در مقاله‌ای موضوع هلال شیعی و شیعه‌هراسی را همانند فهمی تحلیل کرده و اضافه می‌کند:

فریب خوردن اعراب سابقه طولانی دارد. مثلاً قیام آنها علیه امپراتوری عثمانی و کمک آنها به انگلیس در جهت پیشبرد اهداف خود که موجب تقسیم سرزمین فلسطین بین استعمار فرانسه و انگلیس گردید، از جمله نمونه‌ها در قرن بیستم بود. (همان: ۸۵)

نمونه دیگر جنگ ایران و عراق بود که نهایتاً موجب حمله صدام به کویت (از متحدان صدام در جنگ تحمیلی علیه ایران شیعی) شد. خلاصه اینکه طرح ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و ژئوپلتیک شیعی برای ایجاد هراس در میان ملت‌ها و دولت‌های اهل‌تسنن و شعله‌ور کردن مناقشات مذهبی است تا بیداری اسلامی ایجاد شده علیه شیوه استبدادی و استعماری و غارت منابع طبیعی و نیز عملکرد صهیونیست در فلسطین را تحت‌الشعاع قرار دهند.

اما جهان اسلام اعم از شیعه و سنی خوب می‌داند که افراط‌گرایی، آفت جدی برای بیداری اسلامی است. امروز درایت سیاسی، اعتمادسازی، انسجام اسلامی، تحمل همدیگر و ملاحظه آموزه‌های قرآنی، مهم‌ترین راهکار برای برون‌رفت از پروژه شیعه‌هراسی و وضعیت‌گذار است. وگرنه تاریخ زندگی شیعیان گواه است که برای شیعیان، حرمت خون، جان، مال و ناموس امری جدی است و اتفاقاً همین نکته از نقاط قوت اندیشه سیاسی و دینی شیعیان است. بدین لحاظ از ایجاد ایران‌هراسی و طرح مسئله شیعه‌هراسی، تنها مخالفان اسلام بهره خواهند برد. لذاست که از حمایت ایران تاکنون هیچ کسی آسیب ندیده است، اگر چه در طول سه

دهه انقلاب اسلامی مشکلات جدی از طرف دولت‌مردان منطقه بر ایران تحمیل شده است. خلاصه اینکه اتخاذ سیاست شیعه‌هراسی توسط بدخواهان در راستای ظرفیت بالای قدرت نرم آموزه‌های شیعی و نیز احتمال جایگزینی مکتب اسلام سیاسی به جای شوروی سوسیالیست (ایجاد دشمن فرضی برای لیبرالیسم) است. بنابراین، متغیر مستقل و عامل اصلی تأثیرگذار بر تدوین تهاجم فرهنگی پیش‌دستانه شیعه‌هراسی، ظهور و بروز قدرت نرم شیعه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و نیز در پی آن، تشدید بیداری اسلامی در منطقه جهان اسلام بوده است و راهکار مقابله با آن، معرفی واقعی و آموزه‌های مسالمت‌جویانه مکتب تشیع است و لذا می‌توان مطالب مذکور را در قالب مدل و نمودار ذیل ترسیم کرد.



چنانچه در نمودار آمده است ظرفیت بالا و تجربه موفق شیعه در دولت‌سازی موجب تشدید بیداری اسلامی در منطقه گردید و منافع اقتصادی و تفکر استکباری را دچار چالش کرده است و لذا احتمال احیای مجدد تمدن اسلامی را افزایش داده است. از این رو از منظر دولت‌مردان غربی، استراتژی شیعه‌هراسی به عنوان جنگ سرد پیش‌دستانه، می‌تواند تا حدی، احیای مجدد تمدن اسلامی را تأخیر ببیند.

اما سؤال مهمی که اینجا مطرح شد این بود که اسلام سیاسی ناب و حقیقی در درون خود دارای چه پتانسیلی در خصوص روابط بین‌المللی است؟ در پاسخ به سؤال مذکور فصلی را تحت عنوان راهکارهای مقابله با توهم شیعه‌هراسی گشودیم و با تمسک به برخی آیات قرآن نشان دادیم که، نه تنها توهم شیعه‌هراسی مبنای اسلامی ندارد بلکه برعکس، آموزه‌های اسلامی میسر زندگی مسالمت‌آمیز، صلح و رحمت مبتنی بر روابط متقابل عادلانه است. بدین لحاظ تنها راهکار مهم برای مقابله با توهم خشونت، تنفر و هراس‌های متوهمانه، معرفی واقعی اسلام از مجرای بیداری اسلامی و بصیرت سیاسی است.

در هر صورت، مسئله ایجاد هراس برای انزوای اسلام به عنوان یک اندیشه و آرمان، در اروپا و غرب سابقه دارد و مسئله مهم، راهکارهای مقابله با آن است. کما اینکه انقلاب فرانسه را اروپائیان سال ۱۸۱۵ در کنگره وین تکفیر و تلاش کردند تا مهار کنند اما با مقاومت انقلابیان فرانسوی، موفق نشدند و نهایتاً اندیشه و آرمان

انقلاب فرانسه (جمهوریت و دولت ملی) به سراسر غرب صادر شد و زندگی سیاسی جدیدی را در غرب رقم زد. اکنون انقلاب اسلامی ایران که اندیشه و آرمان جدیدی را وارد زندگی و روابط بین‌الملل کرده است، موقعیتی شبیه سال‌های ۱۸۱۵ اروپا را پیدا کرده و لذا صبر، تحمل، درایت، بصیرت، معرفی عالمانه و خردمندانه اصول مسالمت‌جویانه آن، راه را بر هرگونه برداشت غلط می‌بندد و افق را برای به ثمر نشستن بیداری اسلامی و مبدل شدن آن به دولت‌های آزاد اسلامی فراهم می‌کند و عملاً منجر به «فدراسیون جمهوری‌های آزاد اسلامی» خواهد شد؛ جمهوری‌هایی که نه تنها دنبال سلطه، خشونت و جنگ بر سر منافع دولت‌های ضعیف نیستند بلکه به دنبال صدور معنویت و ارتقای دانش و گسترش هم‌زیستی مسالمت‌آمیز از طریق کنش ارتباطی فرهنگی و تمدنی هستند؛ چراکه مبنای سیاست در اسلام مبتنی بر قدرت نیست بلکه مبتنی بر هدایت، فضیلت و سعادت است. نمونه عملی آن دولت نبوی در مدینه، دولت علوی در کوفه و دولت مهدوی در آخرالزمان است و لذا معرفی واقعی دولت‌های شیعی (نبوی، علوی، ولایی، مهدوی) مهم‌ترین راهکار برای شبهه‌زدایی و توهم‌زدایی از آرمان‌های سیاسی حکومت شیعی هستند که مسئولیت نخبگان اسلامی را در معرفی معارف محمدی (ﷺ) و اهل بیت (علیهم‌السلام) مضاعف می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. الاسد، ناصرالدین، ۱۹۹۷، *نحن و الاخر: صراع و حوار (ما و دیگران، برخورد و گفتگو)*، بیروت، بی‌نا.
۲. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. برنا بلداجی، سیروس، ۱۳۸۵، «هلال شیعی و ژئوپلتیک خاورمیانه»، *هفته نامه پگاه*، شماره ۱۹۲.
۴. بیانات مقام معظم رهبری، دیدار مردم چالوس و نوشهر، ۱۵ مهر ۱۳۸۸.
۵. ترمز، جانانان، اچ، ۱۳۷۸، *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*، ترجمه محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۶. توال، فرانسوا، ۱۳۷۹، *ژئوپلتیک شیعه*، ترجمه علی‌رضا قاسم‌آقا، تهران، نشر آمن.
۷. حسینی، محمدتقی، ۱۳۸۶، «هلال شیعی و قوس سنی»، *نشریه پژوهشنامه امنیت بین‌المللی و تروریسم*، شماره ۲.
۸. دلاورپور اقدم، مصطفی، ۱۳۹۰، «شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی در دیپلماسی امنیتی آمریکا»، *خبرگزاری فارس*، ۲۷ اردیبهشت.
۹. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، *لغت‌نامه*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۰. *روزنامه جمهوری اسلامی*، ۸۷/۳/۲۸.
۱۱. سایت خبری *تحلیلی تابناک*، ۸۷/۳/۱۹.

۱۲. سایت مطالعات شیعه‌شناسی، ژئوپلیتیک غرب، ۸۷/۱/۱۹.
۱۳. سعید، ادوارد، ۱۳۷۹، *اسلام رسانه‌ها*، ترجمه اکبر افسری، تهران، توس.
۱۴. صفحی، محمد، ۱۳۸۰، *ژئوپولیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی*، تهران، شمسا.
۱۵. عزیزی، حسن، ۱۳۸۴، «اسلام و تقویت فرهنگ گفتگو در دوران خیزش اسلامی» در *بیداری اسلامی و چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، ج ۲، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۶. غلامی، فلاح، ۱۳۸۶، «هلال شیعی در محاق»، سایت خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۴/۴.
۱۷. فاضلی‌نیا، نفیسه، ۱۳۸۵، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۳۶.
۱۸. لقطان، عدنان بن عبدالله، ۱۳۸۴، «بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن» در *بیداری اسلامی، چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، ج ۱، تهران، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۹. لک‌زایی، نجف، ۱۳۸۲، «ژئوپلیتیک شیعه»، *هفته‌نامه پگاه*، شماره ۱۱۸.
۲۰. متقی، ابراهیم، ۱۳۸۶، «کارکرد نظام سلطه در روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۵.
۲۱. مطهرنیا، مهدی، ۱۳۸۴، «تحقق آگاهی سیاسی مطلوب در جوامع اسلامی» در *بیداری اسلامی و چشم‌انداز آینده و هدایت آن*، ج ۲، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۲۲. مقیمی، غلام‌حسن، ۱۳۸۸، *جزوه درسی جغرافیای سیاسی جهان اسلام، تئوری‌های جغرافیایی*، نوشته، انتشارات مجتمع آموزش عالی امام خمینی علیه‌السلام.
۲۳. مقیمی، غلام‌حسن، ۱۳۹۰، *جزوه درسی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام*، مدرسه عالی امام خمینی علیه‌السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی